

نقش بازآفرینی شهری در توسعه پایدار شهری

کمیل عبدی^{۱*}، عباس ارغان^۲، انسیه سید علیان^۳، شمیلا اللهیاری^۴

- ۱- دانشجوی دکترای رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان- ایران
- ۲- عضو هیئت علمی و استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان- ایران
- ۳- دانشجوی دکترای رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان- ایران
- ۴- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه گیلان

چکیده

در سال‌های اخیر پدیده‌ای که بیشتر مورد توجه برنامه ریزان و مدیران شهری برای مقابله با مشکلات فراوان پیش روی شهرها قرار گرفته، برنامه ریزی پایدار شهری می‌باشد. در ادبیات اخیر دنیا واژه‌ی «بازآفرینی شهری» به عنوان یک واژه عام که مفاهیم دیگری چون، بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانبخشی، احیا، تجدید حیات، باززنده سازی، نوازی و روانبخشی شهری را دربرمی گیرد، به کار می رود. بازآفرینی شهری، درواقع توسعه شهری به مفهوم رشد کمی عناصر کالبدی شهر برای اسکان جمعیت و ارتقای کیفیت زندگی، اشتغال، سکونت، درآمد و ... در قالب طرح‌های توسعه شهری رخ خواهد داد. این مقاله با هدف دستیابی به نقش بازآفرینی در توسعه پایدار شهری با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی ضمن بررسی ماهیت و عملکرد بازآفرینی شهری درصدد می باشد تا از آن به عنوان راهبردی در جهت رسیدن به توسعه پایدار شهری گام بردارد. و در نهایت با توجه به روند روبه تزاید شهرنشینی و افزایش مهاجرت از روستا به شهر در جهان به خصوص در کشورهای درحال توسعه و نیاز مبرم مناطق شهری به بازآفرینی، راهکارهای استراتژیکی مدیریتی- اجرایی بازآفرینی در جهت رسیدن به توسعه پایدار شهری ارائه شده است.

کلمات کلیدی: "بازآفرینی شهری، توسعه پایدار شهری، مدیریت شهری، طرح شهری"

بیان مساله

از اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، بازآفرینی شهری به عنوان یکی از سیاست‌های اصلی دولت‌های اروپای غربی و آمریکای شمالی در مواجهه با مسایل و مشکلات مناطق شهری مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه واژه بازآفرینی شهری از این دوره در ادبیات توسعه شهری متداول شده، ولی معرف رویکردی نوین، یکپارچه و جامع از سیاست‌های توسعه و نوسازی شهری است که در دوره‌های پیش با ادبیات، مدل و مکانیزم متفاوتی مورد عمل بوده است. بازآفرینی شهری سیاستی جامع، دربرگیرنده برنامه‌های ارتقای کیفی بافت‌های شهری با اهداف یکپارچه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. اگرچه برنامه بازآفرینی شهری دهه ۸۰ عمدتاً بر پایه توسعه زمین و مستغلات، در یک چارچوب برنامه ریزی فیزیکی و متمرکز در نواحی صنعتی رها شده و متروک بود. ولی به تدریج علاوه بر توجه به ویژگی‌های فیزیکی محیط و ارتقاء آن، به تحول در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پای بند است. برنامه ریزان و سیاستگذاران شهری در جهت تحقق برنامه‌های بازآفرینی شهری به کار گرفته شدند (ایزدی، ۱۳۸۹: ۶۹). درواقع رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در سیر تحول و تکامل خود از بازسازی، باززنده سازی، نوسازی و توسعه مجدد به بازآفرینی و نوازی شهری تکامل یافته و در این مسیر، از حوزه توجه صرف به کالبد به عرصه تأکید بر ملاحظه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز گذری داشته است (زنگی آبادی، ۱۳۹۰: ۲۹۷). بازآفرینی شهری یکی از مهم‌ترین استراتژی‌ها برای نشان دادن

* komeil.abdi69@gmail.com